

اجلاس وسیع نیروهای ملی، مترقی و دموکرات افغانستان

در اروپا و ملاحظات چند پیرامون آن

به تاریخ نژده اپریل اجلاس احزاب، سازمانها، حلقات و شخصیت‌های مستقل ترقی طلب و مبارز افغانستان در بیرون مرز، در کشور هالند تدویر یافت. اگر این اولین نشست نباشد، انصافاً یکی از بزرگترین جمع آمد، گوناگون اندیشان مترقی کشور، در اروپا بود. این اجلاس علی الوصف معایب و کمبودات تخنیکی، بازتاب روشن دهنماد بود. یکی، گرایش به سوی اتحاد و تن دادن به پلورالیزم سیاسی، آغاز گذار از خود محوری به جمع محوری، توجه به ضرورت بازنگری به سیاستها و روشهای کهنه و پرداختن به تولید و تفسیر مفاهیم و سیاست های جدید، رو آوردن به سیاست های جامعه گرایانه و وطن مدارانه بود. از سوی دیگر، با تاسف هنوز حزبی زدگی، پابندی به روشهای روزمره، عدم دقت و دوباره خوانی شعارها و سیاست های گذشته که با گذشتگان ما، به تاریخ پیوسته است، حق به جانب دانستن خود و صدور صدنا حق دانستن غیر خود، به وضاحت خودنمایی داشت.

من تصور می‌کردم، که ما اشتراک کنندگان در اجلاس راه های تامین اتحاد احزاب، سازمانهای سیاسی، نهاد های اجتماعی و فرهنگی و شخصیت‌های مستقلیکه در اجلاس حضور داشتند و یا حضور نداشتند را، به بحث و بررسی می‌گیریم، که با تاسف چنین نشد. کمیسیون موظف میبایست راهکارهای لازم را، با کنگاش و مذاقه بر مبنای اصولهای پذیرفته شده سیاسی، به خاطر غنای و تصویب آن، به پیشگاه اشتراک‌کنندگان صاحب نظر، در جلسه ارائه میداشت. این کم توجهی، عمدی به نظر نمی‌رسید. اما باعث ضیاع وقت شد.

خانم نوریه بارکزی، این بانوی جوان و روشن ضمیر در حالیکه خسته و نا راض از تکبر مردسالارانه گردانندگان اجلاس به نظر می‌خورد، محترم شفیق اله توده بی ریس جلسه را به خوانش شعاریکه روی پارچه سفید به دیوار ستیژ هیت ریس رودر روی حصار نصب بود، فرا خواند. محترم توده بی که خواست با آن مادر وطنپرست و مترقی که فرزند دو ساله خود را گذاشته، با طی پنجصد کیلومتر راه، جهت آموختن مطالبی در این اجلاس حضور درخشان داشت، به زبان پشتو صحبت کند. آن زن بیطرف در حالیکه زبان پشتو را زبان مادری خود یاد کرد، توده بی را به صحبت به زبان فارسی فرا خوانده، تقاضا کرد که کلمه "مترقی" را برایش توضیح نماید. محترم توده بی از دید خود به توضیح این مقوله پرداخت. خانم بارکزی با متانت دست اش را به دو سوی تالار دراز کرده نشان داده و گفت که: در ترکیب کمیسیون های سکرتریت و پیامها، که مقابل هم قرار داشتند، زن دیده نمشود و در هیت ریس شما بعد، آ چند زن روی ملاحظات ناگفته، برده شدند. در حالیکه در این تالار زنان مبارز که از جا های دور آمده اند، کم نیستند. محترم عبدالجلیل پرشور یکی از سابقداران و کادر برجسته حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حزب وطن در حالیکه به ایراد بیانیه اش، فضای جلسه را مساعد نمیدید، کمیسیون تدارک را که هر یک از احزاب پنجگانه چهل چهل دقیقه وقت به خود تخصیص داده بودند را، با شور عالمانه مورد انتقاد قرار داد. همچنان پرشور، آن احزابیکه سخنان سخنوران خود را با کفزدنها استقبال و فضا را حین سخنرانی دیگران آشفته و اخلاص می‌کردند، با نفرت زیاد، که بی شک فضای جدید همگرایی را به سود افتراق و تشدد، مغشوش میساخت را، بیماری و حزبی زدگی خوانده، رهنمود های سودمندی را در مورد ارائه نمودند. بیانیه های امان اله استوار، عبدالخلیل زمر، گرچه طولانی، خسته کننده و با روحیه جلسه همخوانی نداشت، و سخنرانی آقای پاسدار

مسول اروپایی حزب متحد ملی و سرور منگل که یکی از رهبران بلند قامت و خوشنام حزب دموکراتیک خلق و وطن بود، نه تنها چندان استقبال نمیشدند، بلکه بی میلی سفارشی در استماع صحبت های شنیدنی آنها، از جانب بسیاریها به ضاحت به ملاحظه میرسید. محققین و تحلیل گران شناخته شده کشور ما، هارون امیرزاده، بشیر بغلانی و کسان دیگری، از ثبت نام کرده ها، به ملاحظه فضای خسته و یا کمی وقت از ابراز نظر صرف نظر کردند. صحبت بصیر کامجو تا اخیر شنیده نه شد. در میان روسای جلسه که بین احزاب به اصطلاح رسمی دستبندست میگشت، ریاست خلیل زمربسیار ضعیف بود، که فضا را بیشتر متشنج گردانید. انجینیر حفیظ اله حازم ریس اتحادیه مهاجرین افغان در هالند، از میان تالار که اندام کوچک او از خشم همت بزرگش بر آشوفته گردیده بود، رودروی هیت ریس قرار گرفته، ریاست عبدالخلیل زمر را ضعیف خطاب کرده او را توجه داد، که جلسه را اداره کند. من کسی بودم که نظرات سازمان ام "گروه کار" را، که بیشتر از دو صفحه نبود و قرائتش کمتر از ده دقیقه میشد، قرائت کردم. حین قرائت یاداشتم جناب محترم زمر، ریس جلسه بود. در شبیکه فردای آن جلسه تدویر می یافت، در جمع دوستان دیگر، برای اولین بار من با محترم زمر، که او از نام های آشنادر جریان دموکراتیک خلق افغانستان بود و به دلیل نا معلوم نزدیک به ده سال به زندان پلچرخی بسر بردند، با هم آشنایی حضوری یافتیم. همان شب بحث جدی ولی صمیمانه بین ما صورت گرفت. نا بلدی او در تدویر جلسه و مشکلات دیگر باعث اخلاص جلسه گردید که من همین یادداشت مختصرم را خوانده نتوانستم. اجلاسیکه به منظور ایجاد زمینه های لازم برای اتحاد احزاب و سازمانهای سیاسی قطع نظر از بزرگی و کوچکی آنها، تدویر یافته بود، به جلسه فعالین حزبی مبدل گردید. جنرال شناخته شده دوران حاکمیت حزب دموکراتیک خلق و حزب وطن، محترم داود عزیززی که لحن صحبتش به گویش جذاب شادروان دکتور نجیب اله ریس حزب وطن و ریس جمهور، جمهوری افغانستان، مانند بود، بی اعتنا به وقت معین خود، با قصه از خود و تجلیل از بیرک کارمل، این سیاستمدار نامی ورهبر حزب دموکراتیک خلق و دولت جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان و مبارز پر شور راه زحمتکشان میهن ما، و جنرال نورالحق علومی ریس حزب متحد ملی، صحبت می کرد، این جلسه را بیشتر به جلسات حزب ما، شباهت میداد.

جعفری، که یک جوان آشنا با مفاهیم عصری دموکراسی، پلورالیزم و غیره به نظر میرسید، اجلاس را به حق حزبی و بحث ها را، بحث های درون حزبی، خواند.

ماکه، به حق وارث تجارب نسل های گذشته هستیم، میباید، در اوضاع و احوال کنونی دینمان را در امر اتحاد نیرو های وطن پرست و عدالتجو که نیاز حیاتی است، مسولانه به انجام برسانیم. دستیابی به اتحاد نیرو های متفاوت اندیش سیاسی میهن پرست و ترقیخواه در لحظه حاضر، یقیناً ما را به سوی جامعه عادلانه شهروندی و رستگاری ملی هدایت مینماید. اگر دقت و هوشیاری نکنیم، تاریخ دیگر انتظار ما را نمیکشد و از کنار ما، راه سدنا شدنی اش را پیش میگیرد.

فیض اله البرز